

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol.7,  
No. 13,  
Spring & Summer 2022  
P 5 - 28*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۷ ش ۱۳ بهار و تابستان ۱۴۰۱  
صفحات ۵ - ۲۸

## **بررسی تطبیقی شأن نزول آیه یک سوره حجرات از دیدگاه مفسران فریقین**

حسین علوی مهر\* محمد مظفر\*

### **چکیده**

شأن نزول و سبب نزول آیات نقش محوری در فهم و تفسیر مدالیل و مقاصد آیات قرآن کریم دارد؛ از این رو با بهره‌گیری از آن بهتر می‌توان پیام‌های آیات را درک و علل و عوامل نزول آنها را فهمید و به تفسیر صحیحشان دست یافت. از آنجا که برای تعدادی از آیات قرآن چندین شأن نزول نقل شده و در بعضی از موارد قابل جمع نیستند، موجب شده است که در تفسیر برخی از آیات اختلاف رأی جدی و تفاوت برداشت به وجود آید. ضرورت مسئله سبب شد که نگارندگان با مراجعه به تفاسیر فریقین و با بهره‌گیری از اقوال مفسران و سیاق آیات و استفاده از روش توصیفی و تحلیلی شأن نزول‌های وارده درباره آیه یک سوره حجرات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود اینکه درباره آیه یک سوره حجرات چندین شأن نزول و سبب نزول ذکر شده است؛ اما می‌توان با در نظر گرفتن

---

\*. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه: halavimehr5@gmail.com

\*. دانش پژوه مقطع دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول):

mohamadmozafar۱۳۶۵@gmail.com

مسائل عقلی و رجالی و توجه به سیاق آیه شأن نزول صحیح آیه را بدست آورد و این امر بعد از بررسی شأن نزول‌های وارده از منظر فریقین و پالایش و ارزیابی و نقد و بررسی آنها در این پژوهش محقق گردید.

**واژگان کلیدی:** آیه یک سوره حجرات، شأن نزول، سبب نزول، مفسران فریقین،

بررسی تطبیقی.

### مقدمه

مطالعات نشان می‌دهد که برای بسیاری از آیات قرآن شأن یا سبب نزولی به طور دقیق ذکر نشده که همگی آن‌ها مورد اطمینان باشد، بلکه برای بعضی از آیات چند شأن نزول به گونه‌های مختلف بیان شده است و مجعولات هم در بین شأن نزول‌های منقول فراوان است. دلیل آن می‌توان گفت که شأن نزول‌های صحیحی موجود بوده که آن‌ها را ذکر نکرده‌اند و به جای آن‌ها داستان‌هایی از خویش در آورده‌اند یا شخصیت‌های داستان‌ها را عوض کرده‌اند؛ مهم‌ترین علل جعل داستان‌های نزول می‌توان گفت ادعای علم و دانش کردن راوی و یا حبّ و بغض به شخصیت‌های داستان می‌باشد؛ چه بسا داستان نزولی به زیان کسی بوده که مورد محبت راوی بوده، لذا راوی نامش را به نامی دیگر تبدیل کرده یا اصلاً داستان را نقل نکرده و یا آن را دگرگون ساخته است. و چه بسا داستان نزول به سود کسی بوده که مورد عداوت و بغض راوی قرار داشته است، لذا حقیقت را بیان نکرده است.

بنابراین، تشخیص راستی و درستی داستان‌های نزولی که برای آیات قرآن ذکر شده، کاری بسیار سخت و دشوار است و متأسفانه اکثر مفسرین در صحت و سقم آن‌ها تحقیقی نکرده و به صرف نقل آن‌ها اکتفا کرده‌اند و حتی در بسیاری از مواقع نکته‌ها و پیام‌هایی را که از آن آیه میگیرند متاثر از آن شأن نزول منقول نادرست می‌باشد.

در این پژوهش کوشیده شده است شأن یا سبب نزول های نقل شده در مورد آیه یک سوره حجرات به کمک خود قرآن و تطبیق آن ها بر آیات و یا سند شناسی راویان آن ها در تفاسیر فریقین بررسی و تحلیل و نقد شود و شأن نزولی که به نظر می آید صحیح تر بوده و به حق نزدیک تر می باشد ارائه شود.

### پیشینه پژوهش

تاکنون برای بررسی شأن یا سبب نزول های منقول آیات سوره حجرات خاصه آیه یک این سوره مقاله و کتابی مستقل نوشته نشده است اما برای شأن نزول های کلی آیات قرآن کتاب های مختلفی نوشته شده است؛ مانند «اسباب نزول القرآن از علی بن احمد واحدی»، «تسهیل الوصول الی معرفة اسباب النزول از خالد عبدالرحمن عک»، «اسباب النزول القرآنی از غازی حسین عنایت»، «نمونه بینات در شأن نزول آیات از محمد باقر محقق» و «شان نزول آیات قرآن از ناصر مکارم شیرازی» و نیز مفسران قرآن در ذیل آیاتی که برای آن ها شأن نزولی گفته شده است آن را ذکر کرده اند ولی اغلب نویسندگان این کتب صرفاً به ذکر شأن نزول وارده منقول در کتب تفسیری دیگر یا روایات وارده اکتفا کرده و به صحت و سقم این شأن نزول ها کار نداشته اند و چه بسا مفسران و محققان قرآنی با همان شأن نزولی را که دیده و ذکر کرده اند، تفسیر و مفهوم آیه یا آیاتی را به حسب آن فهمیده و تفسیر نموده اند در این تحقیق کوشیده شده است به عنوان نمونه آیه یک سوره حجرات که چند شأن نزول برای آن از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت ذکر شده است، بیان نموده و با کمک خود این آیه و آیات دیگر قرآن و همچنین بحث سندی و دلالتی شأن نزول های وارده، شأن نزولی را که صحیح

تر به نظر می رسد ارائه شود تا نمونه ای باشد برای تحقیق و بررسی صحت و سقم شأن نزول های دیگری که برای بسیاری از آیات ذکر شده است.

## مفهوم شناسی

فهم واژگان کلیدی نقش محوری در فهم محتوی و مراد نگارنده دارد، در ابتدا به مفهوم شأن و سبب نزول و همچنین نمای کلی سوره حجرات می پردازیم:

### ۱- شأن و سبب نزول

برخی از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی فرقی بین سبب نزول و شأن نزول قائل نیستند. (جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۲۳۵) اما برخی دیگر بین سبب و شأن نزول تفاوت قائل شده اند و گفته اند که سبب نزول رویداد یا پرسشی است که به اقتضای آن قسمتی از آیه یا آیات یا سوره‌ای از قرآن کریم همزمان با آن رویداد و پرسش یا در پی آن نازل شده باشد. (الغفار، المیسرفی علوم القرآن، ۱۶۰، معرفت، تاریخ قرآن، ۶۶) اما شأن نزول عبارت است از «واقعه‌هایی که قسمتی از آیه یا آیات یا سوره‌ای از قرآن کریم درباره آن نازل شده است.» (معرفت، علوم قرآنی، ۱۰۰)

بنابراین با توجه به تعریفی که این دانشمندان علوم قرآنی برای سبب و شأن نزول بیان کردند و با در نظر گرفتن مصادیقی که برای سبب و شأن نزول وجود دارد، بین این دو عام و خاص من وجه می باشد به این صورت که در بیان فرق این دو می توان گفت: نسبت این دو از نظر مفهوم، تباین و از نظر موارد و مصادیق، عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا بعضی از امور، هم سبب نزول است و هم شأن نزول؛ مانند ماجرای فداکاری امیر المؤمنین علیه السلام در لیلۃ المیث که هم سبب نزول آیه کریمه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / ۲۰۷) است؛ زیرا

این آیه کریمه به دنبال آن و به اقتضای آن نازل گردیده است و هم شأن نزول آن است؛ زیرا آیه درباره ایثار و فداکاری امیرالمؤمنین نیز نازل شده است. و در بعضی از آیات، فقط شأن نزول مطرح است و سبب نزول ندارد؛ مانند داستان ابرهه که شأن نزول سوره فیل است؛ زیرا می توان گفت که این سوره درباره آن نازل شده، ولی سبب نزول آن نیست؛ چون به دنبال آن نازل نشده است و چند سال قبل از اسلام و تولد پیامبر اسلام اتفاق افتاده است و قرآن فقط در مورد آن سخن می گوید. و همچنین آیاتی که در مورد انبیاء گذشته نازل شده است و صرفاً داستان آن ها را نقل می کند، آن رویدادها شأن نزول می باشد نه این که سبب نزول باشد.

## ۲-نمای کلی سوره حجرات

همه مفسران اتفاق نظر دارند که سوره حجرات مدنی است. محتوای این سوره به چند بخش تقسیم می شود: تعداد نه آیه آن به اوصاف خداوند چون علیم، بصیر، حکیم، رحیم و غیره اشاره می کند و یازده آیه آن در مورد تعامل و معاشرت مسلمین با پیامبر اکرم صل الله علیه و آله می باشد؛ نظیر اینکه مقدم بر او صحبت و اظهار نظر نداشته باشند و صدای خود را نیز از او بلندتر نکنند و نیز توهین و بد زبانی به پیامبر نداشته باشند و تعداد چهار آیه آن در مورد اسلام و ایمان و تفاوت و حقیقت این دو می باشد، شش آیه آن نیز در مورد تعیین قوانین زندگی اجتماعی مسلمین می باشد و در چند آیه به معرفی و صفات خوبان و ظالمان و مباحث حقوقی، فلسفی و طبیعی می پردازد.

به طور کلی هدف سوره حجرات، تشریح یک سلسله دستورات زنده و ارزنده اخلاقی و اجتماعی است که عمل به این دستورات موجب به وجود آمدن مدینه فاضله

واقعی، و جامعه‌ای پاک و به دور از هرگونه اخلاق نکوهیده، می‌شود. آیات این سوره یک رشته دستورهای جامع و سودمندی برای تهذیب روح و روان مطرح می‌کند و اگر این قیود و روش‌های اخلاقی در هر محیطی عملی گردد، محیطی آرام و مملو از لطف و صفا و دور از هرگونه رذیله اخلاقی به وجود می‌آید. بنابراین این سوره، دورنمایی از جامعه پاک و بی‌آلایشی را در نظر ما ترسیم می‌کند که در آنجا زبان و گوش افراد و حتی اندیشه و خیال آنان آزادی مطلق ندارد که هرچه بخواهند، بگویند و هرچه بخواهند، بشنوند و هر کاری را درباره هر فردی بخواهند انجام دهند.

در مورد فضیلت قرائت این سوره روایاتی وارد شده است؛ نظیر این که کسی که هر شب یا هر روز این سوره را قرائت کند در زمره زائرین پیامبر اکرم صل الله علیه و آله شمرده می‌شود. یا کسی که آن را بنویسد و آن را در موقع جنگ به گردن بیاویزد خداوند او را یاری نموده و باب خیر را برای او باز می‌کند. (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۵/۹۹، حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۵/۷۹).

### ۳- بیان آیه اول سوره حجرات

خداوند در ابتدای سوره حجرات خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات / ۱)؛ ای کسانی که ایمان آوردید نسبت به خدا و پیامبر او هرگز در گفتار و عمل پیش قدم نباشید و تقوای الهی داشته باشید به راستی که خداوند شنوا و دانا است.

این آیه به سه نکته اشاره می‌کند: ۱- عدم پیش قدم شدن در برابر خدا و رسول

او ۲- تقوای الهی ۳- سمیع و علیم بودن خداوند.

## واژگان آیه

اغلب لغویین مثل ابن فارس، فراهیدی و راغب اصفهانی قائل هستند که واژه «قَدَّمَ» که ریشه «تَقَدَّمُوا» می باشد به معنای زودتر یک کاری را انجام دادن است؛ (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۱۲۳/۵، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۶۵/۵، راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۶۱)

بنابراین قَدَّمَ به معنای پیشی گرفتن می باشد و این تقدم و پیشی گرفتن به صورت مطلق می باشد یعنی هم شامل فعل و هم شامل قول می شود چه این فعل و قول خوب باشد و چه بد باشد. کسی که جلوتر آن را مرتکب شود گفته می شود که او در انجام آن فعل مقدم بوده یعنی او زودتر آن را انجام داده است.

واژه «بَيْنَ يَدَيَّ» به هر چیزی که در مقابل و پیش رو از قبیل فعل یا قول یا اشیاء مادی باشد اطلاق می شود. (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۱۰۲/۸، جوهری، الصحاح، ۱۳۷۶، ۶/۲۵۴۱، ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۲۵/۱۵) همچنین اطلاق بر اشیاء غیر مادی مثل زمان نیز می شود؛ مثل: «بَيْنَ يَدَي السَّاعَةِ» که به معنای ساعت و زمان پیش رو می باشد.

بنابراین معنا و مفهوم دقیق این آیه شریفه این می شود که ای کسانی که ایمان آوردید در مقابل خدا و رسولش زودتر از آن ها سخن نگوئید و اظهار نظر نکنید، باید صبر کنید خدا و رسول او وقتی امر کردند، آن موقع شما در عمل و فعل از اقوال آن ها یا اعمال آن ها تبعیت کنید و خداوند به گفته های شما در مقابل خدا و رسول او شنوا و دانا است.

از ظاهر این آیه این نکته قابل برداشت است که بعضی از یاران و صحابه رسول خدا قبل از اینکه پیامبر در مورد چیزی یا موضوعی مطلبی را بفرمایند و یا حکمی را

بیان کنند پیش قدم می شدند و جلوتر از پیامبر اظهار نظر می کردند و یا حتی در عمل نیز از پیامبر پیشی می گرفتند لذا این آیه نازل شد و آن ها را از این کار منع کرد.

### بررسی شأن نزول آیه اول سوره حجرات از دیدگاه مفسران فریقین

می توان گفت که اکثر قریب به اتفاق مفسران فریقین برای آیه نخست این سوره شأن نزولی را بیان کرده اند، اما تعداد زیادی از آن ها از تفاسیر کهن نقل کرده اند و بعضی از آن ها از روایات منقول در این باب استفاده کرده اند، در اینجا به تفاسیر مشهور فریقین که خود منبع تفاسیر متاخر از خود می باشند در این زمینه، اشاره نموده و مورد بررسی و نقد قرار می دهیم:

#### الف. دیدگاه مفسران شیعه

دانشمندان و مفسران شیعه آرای گوناگونی در مورد شأن یا سبب نزول این آیه شریفه بیان کرده و اتفاق نظر در مورد خاصی ندارند و می توان گفت به طور کلی آن ها به سه گروه تقسیم می شوند:

#### گروه اول: نبی از رفتار گروهی از قبیله بنی تمیم

بعضی از مفسران شیعه مثل علی بن ابراهیم قمی معتقدند که این آیه در مورد گروهی از قبیله بنی تمیم نازل شده است که آن ها روزی بر رسول خدا صل الله علیه و آله وارد شدند و مقابل در حجره او ایستادند و صدا زدند یا محمد از خانه یا حجره ات خارج شو و وقتی که پیامبر خارج شد آن ها در راه رفتن از پیغمبر جلو جلو می رفتند و وقتی که با پیغمبر هم صحبت می کردند صدایشان را از او بالا می بردند و با صدای بلند از او سؤال می پرسیدند: ای محمد در مورد فلان چیز و فلان کار چه می گویی؟ و همانطوری با پیامبر تکلم می کردند که خودشان با همدیگر تکلم و صحبت می کردند در این هنگام این آیه نازل شد و خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ



وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۱۸) بعضی از تفاسیر دیگر شیعه نیز مثل نورالثقلین همین شأن نزول را از تفسیر قمی نقل کرده اند و در حقیقت منبع کلام آن ها این تفسیر می باشد. (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۷۹/۵)

با توجه به این سبب نزول مذکور این نکته از آن قابل برداشت می باشد که عرب جاهلی عصر نزول که تازه نور اسلام در بین آن ها طلوع کرده بود متخلق به بسیاری از آداب و اخلاق اجتماعی نبود و عظمت و جایگاه پیامبر در نزد آن ها مجهول بود لذا برخورد آن ها و پندار آن ها نسبت به پیامبر همان برخورد و پنداری بود که نسبت به همدیگر داشتند.

#### نقد و بررسی

با اینکه می توان این سبب نزول را با این توجیه مذکور پذیرفت که عرب آن دوره تازه با ظهور اسلام از جاهلیت بیرون آمده بودند و هنوز آداب و رسوم جاهلی خود را در سر داشتند و با پیامبر همان برخوردی داشتند که با دیگران داشتند و برای او احترام درخور شأن وی نداشتند اما با دقت و تأمل در خود آیه شریفه و نیز آیات دیگر قرآن کریم این سبب نزول مردود می شود؛ زیرا خداوند در پایان آیه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» یعنی خداوند شنوا و داناست؛ و شنوا بودن مربوط به گفتار که شنیداری است می شود و مربوط به اعمال نیست حال آنکه این شأن نزول مربوط به عمل است و عمل هم بصری و دیدنی می باشد و شنیداری نیست و اگر نهی ابتدایی آیه مربوط به عملی که دیدنی است بود در پایان آیه می فرمود «إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ عَلِيمٌ» یا اگر موردی بود که هم مربوط به عمل بود و هم مربوط به گفتار در پایان می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» بنابراین معلوم می شود که سبب نزول این آیه مربوط به گفتار مردم بوده است که شنیداری و از مسموعات است و به همین دلیل در پایان فرموده است خداوند به گفتار

شما شنوا و داناست؛ با دقت و جستجو در آیات دیگر قرآن نیز روشن می شود که در پایان بیست و چهار آیه آمده است خداوند سمیع است و در اغلب این آیات ابتدای آن ها بحث در مورد مقوله های گفتاری بوده است که در پایان آن ها فرموده است خداوند به این گفتارها شنواست حال بیان گفتار و آنچه مربوط به آن است در ابتدای آیه یا به صورت صریح است؛ مثل آیه «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء / ۱۴۸) همچنین آیه «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران / ۳۸) و یا در ابتدا تصریح نشده است اما از سیاق آیه مقوله های گفتاری قابل برداشت بوده و تفسیر می شود؛ مثل آیه «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال / ۱۷) در این آیه جمله «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» علت است برای جمله مقدری که معلوم است و معنای آن به این مضمون است خدا صدای استغاثه پیامبر و مؤمنان را شنید و در جنگ آن ها را مشمول لطف و نصرت خویش قرار داد؛ همانطور که علامه طباطبایی نیز به تعلیل این قسمت آیه برای جمله مقدری که مربوط به قول هست اشاره می کند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۳۹ / ۹)

غیر از این شأن نزول فوق حاکی از بلند کردن صدا در مقابل پیامبر اکرم می باشد و دلالت بر مقدم شدن بر ایشان در قول و گفتار که از قبیل مسموعات بوده و مدلول آیه است نمی کند و جلوتر از پیامبر هم راه رفتن نیز مربوط به فعل و عمل است که مقوله بصری و دیدنی است و از مقوله مسموعات و شنیداری نیست.

بنابراین این شأن نزول با دقت و تأمل در خود آیه مردود بوده و مورد اعتماد

نیست.

**گروه دوم: نهی از عملکرد جماعتی از مردم در مسئله قربانی کردن در روز عید قربان**

جماعتی پیش از نماز عید قربان و پیش از آنکه پیغمبر اکرم در روز عید قربان، قربانی بکند و دستور بدهد اقدام به قربانی کردن نمودند در این هنگام آیه مذکور نازل شد و رسول اکرم دستور داد قربانی مجدد کنند. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۹/ ۱۹۶، شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ۱۴۱۳: ۲۳۴/۱۲، دخیل، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۶۸۹)

در عصر رسالت چون که پیغمبر هر ساله به حج می رفتند مسلمانان مدینه و مکه و کشورهای دیگر نیز برای انجام اعمال حج به مکه می رفتند و در آنجا اگر پیامبر دستور تازه ای در مورد اعمال حج از جانب خداوند نازل شده بود برای مسلمین تشریح می کردند و آن ها هم سنت و اعمال پیامبر را الگو و سرلوحه اعمال خود می دانستند؛ طبق ادعای مذکور شأن نزول فوق در یکی از سال ها تعدادی از مسلمین در روز عید قربان فریضه قربانی کردن را زودتر از پیامبر انجام دادند و همین باعث شد که آیه یک سوره حجرات نازل شود و عمل قربانی که مقدم بر پیامبر انجام دادند باطل شمرده و دستور دهد که مجددا قربانی انجام دهند.

**نقد و بررسی**

با این حالی که آیه می فرماید در مقابل رسول خدا در کلام و سخن گفتن مقدم بر او نشوید و از این سبب نزول برداشت می شود که قربانی در مقابل پیغمبر و مقدم بر قربانی کردن وی بوده و از این جهت بر آیه که می فرماید «لَا تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» تطبیق دارد اما اشکالی که به این سبب نزول وارد است این می باشد که ذبح قربانی از مقوله های فعلی و دیدنی است و از مسموعات نیست و از سیاق این آیه برداشت می شود که آن چه مورد نهی واقع شده از مقوله های قولی بوده که از مسموعات است زیرا خداوند در پایان آیه می فرماید به گفتارهای شما شنوا و دانا است. بنابراین طبق عبارت پایانی آیه که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» سبب نزول این آیه باید از جنس اقوال و گفتار که از مسموعات هستند باشد. همانطور که از عبارت

علامه طباطبایی این نکته قابل برداشت می باشد. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۱۸/۳۰۶).

#### گروه سوم: در مورد دو مرد از قبیله قریش

بعضی از مفسران شیعه مثل محدث بحرانی در مورد سبب نزول آیه مذکور این روایت از کتاب الاختصاص شیخ مفید را نقل کرده اند که مردی در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام بلند شد و از او سؤال کرد یا علی این آیه در مورد چه کسی نازل شده است؟ ایشان فرمودند در مورد دو مرد از قریش نازل شده است. (مفید، الاختصاص، ۱۴۱۳: ۱۲۸) و منظور از این دو نفر ابوبکر و عمر می باشد و همین شأن نزول را پذیرفته اند. (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۵) بعضی مفسرین دیگر شیعه نیز همین شأن نزول را نقل کردند و منبع کلام آن ها یا از کتاب البرهان فی تفسیر القرآن است و یا از کتاب الاختصاص می باشد، در این صورت اسناد کلام همه آن به روایت کتاب شیخ مفید بر می گردد. (بروجردی، تفسیر جامع ۱۳۶۶: ۳۹۱/۶، زبیدی، ۱۴۲۸: التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت، ۲۱۴/۷)

دلیل اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت واضح جواب سائل را نداد و مشخص نکرد در مورد چه کسانی نازل شده این است که از این روایت و مطالعه تاریخ و روایات دیگر این نکته قابل استفاده است که موقعیت چقدر حساس بوده و چقدر علی علیه السلام در سختی و فشار دستگاه زمانه بوده که مطلب را به طور صریح نمی توانسته بیان کند.

#### نقد و بررسی

شیخ مفید روایت مذکور را از ابن کُدَیْنَةَ الْأَوْدِی نقل می کند، اما با جستجو و دقت در تمامی کتب حدیثی و تفسیری و رجالی روشن می شود که شخصی به نام ابن کُدَیْنَةَ

الأودی اصلا در بین روای و وجود ندارد و خود شیخ مفید نیز هیچ کجای دیگر نام این شخص را نیاورده است لذا بعضی از محققین علم رجال و مصححین کتاب الاختصاص این نظر دارند که منظور از ابن کدینه اودی در کتاب الاختصاص، ابو کریبه ازدی است که خلط صورت گرفته و ابن کدینه اودی ثبت شده است. (نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ۱۴۱۴: ۴۴۱/۸، الإختصاص، ۱۴۱۳/ ۱۲۸، با تحقیق و تصحیح موسوی زرنندی، محمود، میرشریفی، علی، غفاری، علی اکبر) و دلیل این خلط و اشتباه می توان گفت شاید از جانب کاتبین بوده است که در هنگام استنساخ دچار اشتباه نوشتاری شده اند.

ابو کریبه ازدی یکی از موثقین در نزد علمای علم رجال می باشد و یکی از دلایل آن ها این روایت می باشد که ابو کریبه ازدی و محمد بن مسلم ثقفی نزد شریک که در آن روزگار عهده دار قضاوت بود شهادتی دادند. شریک مدتی به آنان نگاه کرد و سپس گفت: دو تن جعفری و فاطمی! آن دو گریستند. شریک سبب گریه آن ها را پرسید، گفتند: ما را به کسانی نسبت دادی که به پاکدامنی اندکی که از ما می بینند خوشحال می شوند کسانی چون ما برادرانشان باشند و به کسی ما را نسبت دادی که خرسند نیست کسانی چون ما شیعه او باشند. اگر لطف کند و ما را بپذیرد او بر ما منت گذاشته است. شریک خندید و گفت: اگر مردی هم هست باید امثال شما باشد. ای ولید، این بار گواهی آنان را بپذیر، ولی دیگر بار برای ادای گواهی نیایند. (قهپایی، مجمع الرجال، ۱۳۶۴: ۸۷/۷)

از ظاهر این روایت این مطلب برداشت می شود که ابو کریبه ازدی جلالت قدر داشته است و از اصحاب امام صادق علیه السلام و از شیعیان بوده است. بنابراین از راویان موثق شیعه می باشد.

همانطور که بیان شد به دلیل اختناق شدید دستگاه زمانه، امیرالمؤمنین علیه السلام نمی توانست به صورت صریح جواب سائل را بدهد همانگونه که روایت ذیل نیز در مورد همین آیه و همین مسئله بوده است ولی با این حال حضرت جواب واضح به سائل نداده است و دلیل اختناق شدیدی بود که از طرف دستگاه حکومت به وجود آمده بود.

علامه مجلسی از ابی بصیر نقل می کند که مردی در مقابل امام علی علیه السلام ایستاد و از او سؤال کرد که آیه یک سوره حجرات در مورد چه کسی نازل شده است؟ فرمودند: تو چه قصد و نیتی داری آیا می خواهی از طریق من مردم را گمراه کنی؟ گفت: نه یا امیرالمؤمنین، و لکن دوست دارم که بدانم؛ فرمودند: بنشین، وقتی که نشست فرمود: بنویس عامر و بنویس معمر و بنویس عمر و بنویس معتمرا و این آیه در مورد یکی از این پنج نفر نازل شده است. سفیان گفت به فضیل گفتم آیا به نظر تو عمر بوده است در جواب من گفت چه کسی غیر از او بوده است. (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳، ۳۸۰/۳۰)

بیان تفصیلی روایت شیخ مفید غیر از کتب تفسیری اهل سنت که در ادامه بیان می شود در بعضی کتب روایی شیعه نیز آمده است؛ مثلا ابن طاووس نقل می کند که گروهی از بنی تمیم نزد پیامبر آمدند، ابوبکر گفت یا رسول الله قعقاع بن معبد بن زراره را بر ما امیر کن در این هنگام عمر گفت: یا رسول الله اقرع بن حابس را بر ما امیر بگردان؛ ابوبکر گفت تو میخواهی که با من مخالفت کنی و خلاف من حرف بزنی؛ عمر گفت من می خواهم فقط خلاف نظر تو را بیان کنم و در این هنگام بین این دو در حضور پیامبر اختلاف و نزاع به وجود آمد و صدای آن دو بلند شد در این هنگام این آیه شریفه نازل شد؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید شما از خدا و رسول او پیشی

نگیرید و صبر کنید ببینید در این زمینه رسول خدا چه می فرماید و شما به آن عمل کنید و قصد این نداشته باشید که مقدم بر پیامبر نظری را بیان بدارید و آن را بر پیامبر تحمیل نمایید. (ابن طاوس، عین العبره فی غبن العتره، بی تا: ۴)

به طور کلی غیر از موثق بودن روایت شیخ مفید عمل آن دو نیز بر محتوای این آیه منطبق می شود زیرا که آن ها هم قصد مقدم شدن بر پیغمبر در اظهار نظر کردن داشتند و نیز این تقدم آن ها مربوط به قول و گفتار که از مسموعات است می باشد که خداوند در پایان آیه فرموده است خداوند به این گفتار شما شنواست.

#### ب) دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت در بیان شأن نزول این آیه به چهار گروه تقسیم شده اند:

##### گروه اول: نپی از سر و صدای صحابه در محضر رسول خدا (ص)

برخی از مفسران و مورخان و محدثان اهل سنت یک شأن نزول را بیان کرده اند و معتقدند که مربوط به آیه اول و آیات بعد است و اختصاص به آیه اول این سوره ندارد، و آن این است که در سال نهم هجرت که عام الوفود بود یعنی سالی که هیئت های گوناگونی از قبائل برای عرض اسلام یا عهد و قرار داد خدمت پیامبر آمدند؛ هنگامی که نمایندگان قبیله بنی تمیم خدمت پیامبر صل الله علیه و آله رسیدند ابو بکر به پیامبر پیشنهاد کرد که قعقاع که یکی از اشراف قبیله بود امیر آنها گردد، و عمر پیشنهاد کرد اقرع بن حابس که فرد دیگری از آن قبیله بود امیر شود، در اینجا ابو بکر به عمر گفت: می خواستی با من مخالفت کنی؟ عمر گفت: من هرگز قصد مخالفت نداشتم، در این موقع سر و صدای هر دو در محضر پیامبر صل الله علیه و آله بلند شد، آیات فوق نازل گشت، یعنی نه در اظهار نظرها بر پیامبر پیشی گیرید، و نه در کنار خانه پیامبر سر و

صدا راه بیندازید و صدای خودتان را از او بلندتر کنید. (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۳۰۰، جزایری، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ۱۴۱۶: ۱۲۰/۵، ابن اثیر، اسدالغابه، ۱۴۰۹: ۵۷۱/۱، نسائی، المجتبی من السنن، بی تا/۵۴۵).

#### نقد و بررسی

این روایت را قرطبی و دیگران از ابن جریر نقل کرده اند و شبستری و بسام می گویند که علمای اهل سنت معتقد بودند که ابن جریر فاضل فقیه و ثقه بوده است. (شبستری، الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۸: ۳۲۶/۲، بسام، زبده المقال من معجم الرجال، ۱۴۲۶: ۶۷۴/۲)

همانطور که در قبل بیان شد این روایت در نزد علما و دانشمندان شیعه نیز از جهت سندی موثقه می باشد به دلیل اینکه ابو کریبه ازدی که راوی این حدیث می باشد در نزد علمای شیعه ثقه می باشد و نیز از جهت دلالی تطابق بر آیه دارد و می توان گفت که این سبب نزول از اسباب نزول دیگری که وارده شده است صحیح تر بوده و مورد اطمینان می باشد.

#### گروه دوم: نبی از عملکرد صحابه در مسئله روزه گرفتن قبل از ماه رمضان

مردم قبل از ماه رمضان یک یا دو روز روزه می گرفتند در این هنگام این آیه نازل شد. (طبرانی، تفسیر القرآن العظیم، ۲۰۰۸م: ۷۰/۶، زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷م: ۳۵۰/۴)

بعضی از منابع روایی اهل سنت مثل صحیح بخاری نیز همین سبب نزول را از عبدالله بن زبیر نقل کرده اند. (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۱۰ق: ۲۶/۸) و تعداد زیادی از تفاسیر اهل سنت همین شأن نزول را از صحیح بخاری نقل کرده و آن را پذیرفته اند.



آن روزه‌ای که بر مسلمین واجب شمرده شده است روزه ماه رمضان می باشد که از ابتدا تا انتهای این ماه مبارک واجب است روزه گرفته شود، طبق این شأن نزول مذکور بعضی از مردم عصر نزول زودتر از موعدی که خدا روزه آن را واجب کرده بود روزه می گرفتند و معتقد بودند که تقدیم این روزه ها واجب است لذا خدا با نزول این آیه خطاب به مؤمنین کرد که مقدم از امر خدا تصمیم به کاری با سلیقه خود نگیرید و همان امری که خدا داشته است امتثال کنید.

#### نقد و بررسی

مقدم شدن بر پیامبر در روزه گرفتن یک فعل و عمل می باشد و از مقوله های دیدنی و بصری است و گفتاری نیست که از مسموعات باشد و همانطور که بیان شد از سیاق خود آیه برداشته می شود که نهی از تقدم بر خدا و رسولش در گفتاری است که مربوط به اظهار نظر می باشد. عبدالله بن زبیر نیز که بخاری این شأن نزول را از او نقل کرده است طبق نظر خود علمای اهل سنت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام می باشد به گونه ای که صلوات بر پیغمبر را به دلیل اینکه اهل بیت علیهم السلام خوشحال نشوند حذف کرده بود. (البلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق: ۲/۴۱۸). ابن ابی الحدید نیز در مورد دشنام دادن و توهین کردن عبدالله بن زبیر به اهل بیت علیهم السلام می گوید: «کان عبد الله بن الزبیر یثتمه علی رؤوس الأشهاد و خطب یوم البصرة فقال: قد أتاکم الوغد اللئیم علی بن أبی طالب و کان علی ع یقول ما زال الزبیر رجلا منا أهل البیت حتی شب عبد الله فظفر به یوم الجمل فأخذه أسیرا فصفع عنه و قال اذهب فلا أرینک لم یزده علی ذلک.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۸۵ق: ۱/ ۲۳)

بنابراین عبدالله بن زبیر شخص فاسق بوده و دشمن اهل بیت علیهم السلام می باشد و قول او در نقل روایات معتبر نمی باشد و این نقل او نیز قابل اعتماد نبوده و مردود می باشد.

#### گروه سوم: نهی از اندیشه ناصواب برخی از صحابه نسبت به رفتارشان

عده ای از مردم می گفتند که اگر آیه ای در مورد من این گونه و آن گونه نازل می شد وضع این چنین می شد خداوند از این حرف آن ها اکراه داشت و این آیه را نازل کرد. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۴۰/۷، سیوطی، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، ۱۴۰۴ق: ۸۴/۶، ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۸ق: ۱۷۱۲/۴)

همانگونه که موارد مختلف در تاریخ مشهود می باشد و قابل استناد است بعضی از صحابه پیامبر صل الله علیه و آله به خاطر حب جاه و مقام دوست می داشتند که در بسیاری از جاها انگشت نما باشند؛ مثلاً در سربها دوست می داشتند که از جانب پیامبر جنگ را فرماندهی کنند یا پیامبر جمله ای را در مورد آن ها بیان نماید تا توجه مردم به آن ها معطوف شود؛ طبق شأن نزول مذکور نیز بعضی از صحابه در بعضی از مواقع در مقابل آیات خدا موضع می گرفتند و اظهار نظر می کردند و می گفتند اگر آیه ای در مورد من نیز نازل می شد وضع چنین و چنان می شد که خداوند با نزول این آیه آن ها از این گفتارها نهی کرد و گفت زودتر از خدا و رسول او اظهار نظر نداشته باشید.

#### نقد و بررسی

از جمله «بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» آیه شریفه برداشت می شود که گفتار مسلمین و پیش قدم شدن آن ها در اظهار نظرها در مقابل دیدگان خدا و پیامبر بوده است که

خداوند آن‌ها را نهی کرده است حال اشکالی که به این شأن نزول وارد است این است که این نظرهای مردم ظاهراً در مقابل پیامبر صل الله علیه و آله بیان نمی شده است و این خلاف ظاهر قرآن می باشد. بنابراین، این سبب نزول محل تردید بوده و نمی توان آن را پذیرفت و مجعول بودن آن ترجیح دارد.

#### گروه چهارم: نهی از سبقت گرفتن صحابه در مسئله قربانی کردن عید قربان

پیامبر می خواست در روز عید قربان، قربانی کند بعضی از مردم زودتر از پیامبر ذبح کردند در این هنگام این آیه نازل شده و خداوند فرمود: ای مؤمنین زودتر از پیامبر ذبح نکنید و پیامبر امر کرد به آن دسته ای که زودتر ذبح کردند که دوباره قربانی کنند و این گروه روایتی را نیز نقل می کنند که پیامبر فرمود در این روز عید، اولین چیزی را که ما انجام می دهیم این است که نماز می خوانیم و بعد از آن که از نماز برگشتیم نحر و قربانی می کنیم پس هر کسی که این کار را انجام بدهد سنت من رسول خدا را انجام داده است و هر کسی که قبل از خواندن نماز عید، قربانی و ذبح را انجام دهد گوشت او گوشت عجله می باشد و مستحب قربانی را انجام نداده است. و اگر می خواهد مستحب را درک کند باید مجدداً قربانی کند. (سمرقندی، بحر العلوم، ۱۴۱۶ق: ۳/۳۲۲، ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۴۲۲ق: ۷۰/۹، نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶ق، ۶/۱۵۷)

#### نقد و بررسی

همانطور که قبلاً بیان شد این شأن نزول نیز از این جهت نمی توان به آن اطمینان داشت و قبول کرد که ذبح قربانی از مقوله های فعلی و دیداری است و از مقوله های گفتاری و شنیداری نیست که قرآن مؤمنین را از پیش قدمی آن‌ها در مقابل خدا و

رسولش نهی کرده است به دلیل اینکه از جمله پایانی آیه که میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» برداشت می شود که نهی از تقدم خدا و رسول او نهی از تقدم قولی بوده است چون کلمه سمیع و شنوا بودن مربوط به اقوال می باشد که از مسموعات است و مربوط به اعمال اگر بود در پایان می فرمود «إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ عَلِيمٌ»؛ بنابراین این شأن نزول نیز محل تردید بود و قابل اعتماد نیست.

#### گروه پنجم:

«رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْذِرٌ بِنِهَايَةِ عَمْرِو سَاعِدِي رَأَى بِه سِرْدَارِي ۲۷ تَن بَه سَوِي عَشِيرَه بَنِي عَامِرٍ فَرَسْتَاد. بَنِي عَامِرٍ بَه جَز سَه تَن هَمَه رَا كَشْتَنَد. هَنگَامِي كَه آن سَه تَن بَه مَدِينَه بَازَمِي كَشْتَنَد، بَه دُو تَن اَز عَشِيرَه بَنِي سَلِيمٍ بَر خُورَدَنَد وَ تَبَارِ اَنَهَا رَا جُويَا شَدَنَد. اَن دُو بَرَايِ اَنَكِه خُود رَا مَحْتَرَم جَلُوه بَدَهَنَد، خُويَشْتَن رَا بَه بَنِي عَامِرٍ نَسَبْت دَادَنَد، زِيَرَا عَشِيرَه بَنِي عَامِرٍ اَز عَشِيرَه بَنِي سَلِيمٍ مَحْتَرَم تَر بُودَنَد. مَسْلَمَانَان هَم اَز رُوي خُون خُوَاهِي، اَن دُو رَا كَشْتَنَد. هَنگَامِي كَه بَه حُضُورِ رَسُولِ خُودَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسِيدَنَد، حُضْرَتَش فَرَمُود: چَه كَار بَدِي كَرْدِيد؟ اَن دُو اَز بَنِي سَلِيمٍ بُودَنَد.» (زمخشری، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ۱۴۰۷ق، ۳۵۰/۴)

#### نقد و بررسی

نقد و ایرادی که به این سبب نزول نیز وارد است این است که این قضیه از دو جهت منطبق بر آیه نیست؛ یکی اینکه یک عمل و فعل بوده و از قبیل دیدنی‌ها و بصری است و از اقوال و مسموعات نیست. علاوه بر این از ظاهر آیه «بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» استفاده می‌شود که داستان در حضور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ واقع شده است؛ حال این سبب نزول مذکور در مقابل پیامبر نبوده و دور از چشمان او اتفاق افتاده است؛ بنابراین مجعول بودن آن ترجیح دارد.

## نتیجه

با تدبر و تأمل در آیه یک و دو سوره حجرات و تعداد شأن نزول‌هایی که برای آیه یک در کتب تفسیری فریقین وارد شده است و بررسی سندی و تطبیق آن‌ها بر آیه و توجه به سیاق این دو آیه این نتیجه بدست می‌آید که تنها سبب نزولی که قابل اعتماد بوده و از جهت سندی و تطبیق بر آیه اشکالی بر آن وارد نیست روایت اختلاف خلیفه اول و دوم در مورد انتخاب امیر بر قبیله خود در مقابل رسول خدا و بالا بردن صدایشان می‌باشد که آن‌ها مقدم بر پیامبر در حضور او در این مورد اظهار نظر کردند و کشمکش بین آن دو به وجود آمد و صدای خود را بالا بردند که آیه نازل شد و مؤمنین را از مقدم شدن در اظهار نظر کردن در مقابل رسول خدا نهی کرد و آیه دوم نیز می‌فرماید که هرگز حق ندارید صدایتان را از صدای پیامبر بلند کنید خود گواه بر صدق این شأن نزول می‌باشد. بنابراین از قسمت پایانی آیه اول و قسمت ابتدایی آیه دوم می‌توان فهمید که این شأن نزول صحیح تر به نظر می‌رسد زیرا آن دو در مقابل رسول خدا هم در اظهار نظر کردن بر او پیشی گرفتند و هم صدای خودشان را از او بالاتر بردند که آیه نازل شد و مؤمنین را از این کار نهی کرد. و سبب نزول‌های دیگر وارد شده هیچکدام قابل اعتماد نیست به دلیل اینکه یا آن‌ها مربوط به پیشی گرفتن در فعل و عمل است و با سیاق این دو آیه سازگار نیست و یا در مقابل رسول خدا نبوده و یا بعضاً از جهت سندی و منشأ صدور دارای اشکال می‌باشد. و دلیل اینکه چند شأن نزول برای این آیه وارد شده است شاید به خاطر این می‌باشد که جعلین با جعل چند شأن نزول قصد کتمان کردن این کار خلیفه اول و دوم که خداوند آن کار را مذمت و تقبیح کرد داشتند و تفاسیر دیگر شیعه و اهل سنت نیز بدون تحقیق و بررسی دقیق این شأن نزول‌ها را ذکر کرده و بالطبع در تفسیر و فهم آیه شریفه نیز برای ناقلین آن‌ها اثر داشته است.

## منابع:

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق

ابن طاووس، احمد بن موسی، عین العبره فی غبن العتره، قم، دارالشهاب، چاپ اول، بی تا

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق  
ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۰۸ق

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ق

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه قسم الدراسات الإسلامیه، اول، ۱۴۱۵ق

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره، جمهوریة مصر العربیه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنة إحياء كتب السنه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق

بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر، ششم، ۱۳۶۶

بسام، مرتضی، زبده المقال من معجم الرجال، بیروت، دار المحجه البيضاء، چاپ اول، ۱۴۲۶ق

البلاذری أحمد بن یحیی بن جابر، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق

ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، بیروت، دار إحياء التراث العربی،  
چاپ اول، ۱۴۲۲ق

جزایری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير، مدینه، مكتبه العلوم  
و الحكم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق

جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، اول، بی تا  
جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، اول،  
۱۳۷۶

دخیل، علی محمد علی، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار  
التعارف للمطبوعات، دوم، ۱۴۲۲ق

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم،  
اول، ۱۴۱۲ق

زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایه أهل البيت، بیروت،  
اول، ۱۴۲۸ق

زمخشری، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون  
الأقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق

سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، بیروت،  
دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم،  
کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول،

۱۴۰۴ق

شبستری، عبدالحسین، الفائق فی رواه و أصحاب الإمام الصادق علیه  
السلام، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی  
للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰

طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب، سوم، ۱۳۸۸  
 طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن العظیم، اربد، دار الكتاب الثقافی،  
 چاپ اول، ۲۰۰۸ م

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر  
 خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش

عز الدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابۀ، بیروت،  
 دارالفکر، بی جا، بی تا

الغفار، عبدالرسول، المیسر فی علوم القرآن، دار و مکتبه الرسول الاکرم، بی  
 تا

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق  
 قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ  
 اول، ۱۳۶۴ش

قهپایی، عنایة الله، مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان، دوم، ۱۳۶۴  
 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث  
 العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق

معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی التمهید، چاپ  
 شانزدهم، ۱۳۹۴ش

مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ  
 المفید، اول، ۱۴۱۳

نسائی، احمد بن علی، المجتبی من السنن، اردن، بیت الأفكار الدولیة،  
 چاپ اول، بی تا

نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، فرزند  
 مولف، چاپ اول، ۱۴۱۴ق